

اخبار

سر بند ۲۰۰ ساله رو به انقراض



«هَبْرَ» نوعی سر بند است که زنان ایلامی به دور سر خود می‌بندند اما این پوشش دیگر مورد استفاده این زنان نیست و شاید زنان میانسال در مراسم‌هایی چون عروسی و عزا و یا زنان عشایرتشین «هَبْرَ» به سر ببندند.

سجاد نظری ـ کارشناس ثبت آثار ناملموس اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی استان ایلام ـ درباره این نوع پوشش به ایسنا گفت: پوشاک زنان ایلامی در واقع معرف شخصیت، منزلت و جایگاه زن و حتی نشانگر سن و تا حدودی هویت قومی است. در گذشتهٔ نه‌چندان دور و در حال حاضر در برخی نقاط عشایری و روستایی دورافتاده، جنس مخمل لُباس و آویزهای قروشی روی بالابوش‌های زنان معمولاً نشانه ثروتمندی و همین‌طور تعلق به خانواده طبقه بالای جامعه، به‌ویژه از نظر اقتصادی بوده است. تعیین قدمت «هبر» در استان ایلام نیز به دلیل نبود منابع تاریخی در خصوص سده‌های خیلی دور به‌صورت دقیق امکان‌پذیر نیست، اما با تکیه بر برخی از منابع و اسناد تاریخی، قدمت آن به بیش از ۲۰۰ سال می‌رسد.

او با بیان این‌که برای حفظ و صیانت «هبر»، مهارت بافت آن در تاریخ آبان سال ۱۴۰۱ و به شماره ۲۷۰ در فهرست میراث ناملموس کشور ثبت شده است، اظهار کرد: نوعی سر بند از جنس مخمل معمولا به رنگ سیاه و سه‌گوش است که در گذشته چهارگوش هم استفاده می‌شده‌است. برای استفاده از «هبر» حتما باید ابتدا روستری از جنس گلونی روی سر باندخته و بعد هبر را به دور سر ببندند. «هبر» از جنس مخمل نرم و درجه‌یک و اعلا باید باشد. نوع نامرغوب آن زود خراب می‌شود و چون بافت آن زحمت زیادی دارد، بهتر است از نوع درجه یک مخمل استفاده شود. ریشه‌ها هم بستگی به سلیقه اشخاصی که آن می‌پوشند، کوتاه و یا بلند در نظر گرفته می‌شود. بافت ریشه‌ها به آموزشی تخصصی نیاز دارد، چون باید با ظرافت خاصی به شکل منظم و یکدست بافته شود. برای صیانت از این میراث باید مهارت بافت آن مستند و آموزش داده شود.

نظری همچنین گفت: زنان کُرْد، موی خود را به‌صورت تابیده و پیچیده در اصطلاح کردی (چتر) یا (چتری) آویزان می‌کردند و بعد گلونی را به شکل روسی سه‌گوش روی سر انداخته و بعد هبر را دور سر می‌بندند. بستگی به جایگاه و زمان و موقعیت، گاهی از گلونی رنگارنگ و گاهی از گلونی یکدست منتهکی استفاده می‌کردند. در مراسم‌های عروسی و در زمان عزا از گلونی رنگارنگ در در مراسمات ختم و عزا از گلونی یکدست منتهکی زیر «هبر» استفاده می‌شده است.

روایت رضا بابک از شکست سرداران

رضا بابک نمایاننامه «راز شکست فاتحان» را نمایاننامه‌خوانی می‌کند.
این بازیگر و کارگردان تئاتر گرچه سال‌هاست نمایشی را روی صحنه نبرده، اما هر زمان فرصتی دست داده با برگزاری یک جلسه نمایاننامه‌خوانی، در تئاتر حضور پیدا کرده است.
به گزارش ایسنا، او فردا شنبه سوم تیرماه نیز نمایشنامه «راز شکست فاتحان» را در عمارت خانه تئاتر روخوانی می‌کند.

متن این نمایش نوشته اکبر یادگاری است و شهره سلطانی و ناصر آویزه نیز در کنار رضا بابک، این نمایشنامه را نقش‌خوانی می‌کنند.
این نمایشنامه «فاتحان» که نمایاننامه‌ای مولولوگ‌محور است، روایتی کابوس‌وار از شکست سرداران و نظامیان فاتح در جنگ را به تصویر می‌کشد.

این جلسه به عنوان افتتاحیه جلسات نمایاننامه‌خوانی انجمن بازیگران ساعت ۱۸ فردا ـ شنبه سوم تیرماه ـ در سالن استاد عباس جوانمرد در عمارت خانه تئاتر به نشانی: خیابان سمیه، بعد از تقاطع خیابان نجات‌اللهی (ویلا)، شماره ۲۶۰ برگزار می‌شود.

رضا بابک آخرین بار نمایش «هملت شارده کوچولو نانمارک» را سال ۸۸ در سالن دکتر ناظرزاده کرمانی تماشاخانه ایرانشهر روی صحنه برد.

به گزارش عصر ایران، روز (چهارشنبه ۳۱ خرداد) نظارت بر شبکه نمایش خانگی از سوی شورای انقلاب فرهنگی به صداوسیما واگذار شد و ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس شورای انقلاب فرهنگی چنین اقدامی را رقم زد که چند سال جای منازعه بوده است. بسیاری از هنرمندان و بازیگران فعال در سینما، تلویزیون و شبکه نمایش خانگی با انتشار یک استوری مشترک در شبکه‌های اجتماعی اعتراض خودشان به این تصمیم را نشان دادند.

چهره‌هایی چون نیکی کریمی، پرویز پرستویی، محمدحسین مهدویان، نیما جاویدی، شهرام شاه‌حسینی، محسن کیایی، مهراب قاسم‌خانی، هدی زین‌العابدین، علی شادمان، آناهیتا افشار، ایمان صفا، مجید مطلی، عباس جمشیدی‌فر، کامران حجازی، احسان ظلی‌پور، محمدرضا منصوروی، امین حسین‌پور و… از جمله اعتراض‌کنندگان به این تصمیم رئیسی هستند

آنها در این استوری نوشتند: پایان نمایش خانگی، با چراغ سبز رییس دولت، نمایش خانگی هم دست صداوسیما افتاد و این یعنی سونامی ممنوع الکاری هنرمندان و پایان سرگرمی‌های مردم.

ایرنا گفته است که در این زمینه خوب اطلاع رسانی صورت نگرفته و تصریح داشته است: «بر اساس مصوبه شورا تمام فعالیت‌ها و مجوزهایی که صوت و تصویر فراگیر صادر می‌کرد، از این به بعد این مجوزها را خارج از صوت و فراگیر و بدون استثناء توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی صادر خواهد کرد.

یعنی تمام مجوزهایی که در حوزه صوت و تصویر فراگیر هر آنچه به فعالیت‌های فرهنگی، هنری، سینما، موسیقی، تئاتر، بازی و سرگرمی، تبلیغات و غیره بوده، بر عهده این وزارتخانه است.»

اسماعیلی با بیان اینکه دو موضوع از این قاعده استثناء شده است، گفت: «نخستین موضوع مربوط به پخش زنده تلویزیونی و اینترنتی است و دومی نیز به سریال‌های خانگی مربوط است که صوت و تصویر فراگیر نظارت آن را بر عهده گرفت.»

الان نمی‌دانیم چه چیزی درست اطلاع رسانی نشده است خود وزیر هم که می‌گویند شبکه نمایش خانگی به سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر داده شده است و سازمان تنظیم مقررات رسانه‌های صوت و تصویر فراگیر در فضای مجازی با اختصار («ساترا») یکی از نهادهای وابسته به صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران است!

این که همان نظارت صداوسیما بر نمایش خانگی و واقعیت این است که شبکه نمایش خانگی و صداوسیما هر دو تولید کننده محصولات فرهنگی هستند و به عنوان ۲ رقیب! در این عرصه فعالیت دارند.

اگرچه یکی از آنها پشتش به پول خزانه دولت و بیت المال گرم است ولی طرف مقابل به شکلی هزینه تولیدات و محصولات خود را به شکل‌های مختلف (فروش ترافیک اینترنت، آگهی و تبلیغات، حق شارژ کاربران، اسپانسر و …) از بخش خصوصی تأمین می‌کند.

پریش ساده و مهم این است که در میان دو رقیب

۴۹

مصوبه اخیر مبنی بر نظارت صدا و سیما بر تولیدات شبکه نمایش خانگی واکنش برانگیز شد

پای صدا و سیما روی گلوی شبکه‌نمایش خانگی

نظارت بر شبکه نمایش خانگی از سوی شورای انقلاب فرهنگی به صداوسیما واگذار شد و ابراهیم رئیسی به عنوان رئیس شورای انقلاب فرهنگی چنین اقدامی را رقم زد که چند سال جای منازعه بوده است.



این تصویر توسط [گروه خبری](#) [شیراز](#) در [۱۳۹۸](#) در [ایران](#) گرفته شده است. [مشاهده تصویر بزرگتر](#)

انگار این پنجره باز شده به اسم نمایش خانگی را هم می‌خواهند ببندند.

دیروز یک اس ام اس تبلیغاتی برای یکی از سریال‌های یکی از پلتفرم‌ها منتشر شده بود که در ابتدای آن نوشته بود: ببین چه جهنمی برات برپا می‌کنم! و بعد تبلیغ سریال و …

اما انگار برای نمایش خانگی قرار است چنین اتفاقی رقم بخورد و در این میان فقط مردم و مخاطب محصولات ایرانی هستند که هر روز بیشتر از پیش به سمت محصولات غیر ایرانی‌ها می‌روند.

نمایش خانگی به عنوان تنها دلخوشی و ابزار سرگرمی مردم و محل ارتزاق هزاران خانواده از صنف سینما است، چرا تمام سعیتان بر این است که آن را تعطیل کنید؟ اگر فکر می‌کنید با تعطیلی یا منزوی ساختن نمایش خانگی مخاطبان به سمت دیدن برنامه‌های تلویزیون و صداو سیما برمی‌گردند سخت در اشتباهید.

مردم و مخاطب‌تنها انتخابی که برایشان باقی می‌ماند گرایش بیشتر به سمت تلویزیون‌های ماهواره‌ای و سریال‌ها و برنامه‌های داتلودی خارج از کشور است.

واکنش خانه سینما به مصوبه اخیر درباره نمایش خانگی

خانه سینما درباره مصوبات اخیر شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره نمایش خانگی بیانی‌های را صادر و از مسئولان درخواست کرد در این مورد تجدیدنظر کنند. متن این بیانه به نقل از رسول صدرعاملی سخنگوی هیات مدیره خانه سینما به این شرح است:

جامعه اصناف سینمای ایران براساس وظایف ذاتی و قانونی خود و برای شکل‌گیری مناسبات و مقررات کسب و کار مرتبط با اعضایش، اخبار تازه منتشر شده از مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی درباره نظارت در حوزه نمایش خانگی و مباحث مطرح شده در مورد صدور مجوزهای سینمایی را مایوس‌کننده و مخالف پیشرفت اقتصاد هنرصنعت سینما می‌داند و انتظار دارد تا مقامات و نهادهای مسئول اصرار بر بنیان‌های دیرین و منسوخ را کنار گذاشته و بر اساس طراحی شیوه‌های نوین تنظیم‌گری، متناسب با مقتضیات معاصر و عرف پذیرفته شده جامعه، اقدام کنند.

افزایش فشار روانی به هنرمندان و تأکید بر صدور مجوزهای متعدد و سانسورهای بیشتر آثار نمایش خانگی و سینمایی، تنها بحران‌های حوزه‌ی فرهنگ را پر رنگ‌تر می‌کند و باعث خواهد شد: شبکه‌های تلویزیونی خارج از ایران تقویت شوند، مهاجرت سینماگران و تولید فیلم‌های خارج از قاعده افزایش یابد، فرصت‌های اقتصادی سینمای ایران از میان برود، بیکاری و فشار اقتصادی هنرمندان افزایش یافته و در نهایت مخاطبان ناامید و ناراضی شوند.

خانه سینمای ایران می‌خواهد تا شورای عالی انقلاب فرهنگی و هر نهاد مرتبط دیگر، ضمن تجدیدنظر و تصحیح مصوبات مربوطه برای تصمیم‌گیری در مورد مدیریت بر وضعیت هنرصنعت سینما و نمایش خانگی به دست‌اندرکاران متخصص حرفه‌ای و هنرمندان رجوع کند.

فرهنگ و هنر

اخبار

احمدرضاسعدی:

کارهای کودکی که ساخته می‌شود زحمت است

بازیگر پیشکسوت سینما، تلویزیون که با آثار کودک و نوجوان شناخته می‌شود، گفت: کارهای کودکی که ساخته می‌شود زحمت است؛ ۶۹ سال دارم اما کودک درونم همچنان زنده است و از خدا می‌خواهم ایمان کودکانه‌ام را حفظ کند. من مدیون سینما و تلویزیون کودک هستم.

احمدرضا سعدی که با دیو و ماه پیشونی (۱۴۰۲/۲/۱۴۰۲- حسین قناعت) دوباره به سینمای کودک و نوجوان بازگشت، در گفت وگو با خبرنگار سینمایی ایرنا، از حضور در این پروژه به عنوان تجربه‌ای خوب در کار کودک و نوجوان نام برد و افزود: دیو و ماه پیشونی توانست ارتباط خیلی خوبی با کودکان و نوجوانان برقرار کند.

بازیگر مدرسه پیرمردها (سید علی سجادی‌حسینی ۱۳۳۰) می‌گوید که ۶۹ سال دارد اما ایمانم کودکانه است. مراقب ایمان کودکانه‌ام هستم و حواسم به خودم هست.

این بازیگر سینما و تلویزیون کودک و نوجوان، تجربه‌های خود در این حوزه را مدیون ۲۸ سریال و ۱۸ سینمایی می‌داند و می‌گوید: با کودکان رشد کردم و اینکه چه چیزهایی از کودکان و نوجوانان یاد گرفتم برایم مهم است.

بازیگر ننه نقلی (پرویز صبری ۱۳۹۰) گفت که عشق کودکانه عشقی بلاعوض است و من در این ۵۰، ۴۰ سال کار، با کودکان به بلوغ راستین رسیدم و خیلی مراقبت می‌کنم تا به علم حضور برسم.

کشف خاطرنشان کرد: علم حضوری را که همان کشف شهود است در کودکان باید دید؛ کودکان سلطان این کار هستند.

۷ سال در مهد کودک کار کردم بازیگر من لادن نیستم (احمد طالبی‌نژاد ۱۳۸۳) همچنین به تجربه کار خود در مهد کودک اشاره کرد و گفت: ۷ سال در مهد کودک کار و از نزدیک با کودکان ارتباط برقرار کردم. باید کودکان را باور کنیم که صاحب علم حضور هستند

به گفته این پیشکسوت سینما و تلویزیون، کارهایی که در حوزه کودک و نوجوان این روزها ساخته می‌شود کارهایی زحمت است و نمی‌تواند با دنیای کودکانه آنها ارتباط بگیرد.

بازیگر طالع سعد (مهستی بدیعی ۱۳۷۴) گفت: ممکن است که کارگردان‌های واقعی خالقان این گونه آثار باشند اما سینمای کودک فضای مختص خودش را دارد.

اسعدی از مسعود کرامتی، غلامرضا رضانی و رضا بابک به عنوان پیشکسوتان سینما و تلویزیون کودک و نوجوان نام می‌برد و تأکید دارد: دنیای کودک، دنیای شریفی است. این بدان معنا نیست که دنیای بزرگترها این چنین اعتباری نداشته باشد. به گفته دانته، هنرمند باید اثر خود برادر شود.

بازیگر دنیای گم شده می‌گوید: سینما، تئاتر و تلویزیون کودک باید به سمت پیشکسوتان این عرصه بروند. من بیشترین کارهای خودم را مدیون کودک و نوجوان هستم.

با دستمزد خیلی کم کار کودک می‌گیرم بازیگر ساحل دوستی‌داشتنی (۱۳۹۹) گفت: کار کودک راحتی با دستمزد خیلی کم می‌پذیرم. چرا که به من چیزهایی اضافه می‌کند. من مدیون سینما و تلویزیون کودک هستم.

اسعدی گفت: پیشکسوتان عرصه کودک و نوجوان اعتبار سینمای ایران هستند و رجال وزارت ارشاد و تلویزیون شایسته است که سراغ اینها بروند و در آستانه جشنواره فیلم‌های کودک و نوجوان از آنها دعوت کنند.

یک تغییر مهم در جایزه «اسکار»

آکادمی علوم و هنرهای سینمایی اسکار حداقل مدت زمان اکران برای واجد شرایط شدن آثار در شاخه بهترین فیلم را افزایش داد.
به گزارش ایسنا به نقل از اسکرین، آکادمی قوانین جدیدی را از فصل آینده این جایزه اعمال خواهد کرد که بر اساس آن فیلم‌ها برای کسب شرایط لازم برای رقابت در شاخه بهترین فیلم حداقل باید ۴۵ روز اکران عمومی شوند.

این تغییر در راستای تلاش برای حمایت از اکران سینمایی و قائل شدن میان آثار ساخته‌شده برای اکران سینمایی و محصولات سامانه‌های نمایش آنلاین گرفته شده است. پیش‌تر فیلم‌های سینمایی با شرط هفت روز اکران متوالی و تجاری در سینماهای مناطق مورد تأیید، واجد شرایط اسکار بهترین فیلم می‌شدند.

تولد اشک آو رضا حداد با آتیلآ پسیانی، محمد چرم‌شیر، اکبر زنجان‌پور و…



محمد چرم‌شیر، اکبر زنجان‌پور، رضا حداد و آتیلآ پسیانی

از میدان امام حسین شروع کردیم تا به سالن‌های حرفه‌ای تئاتر رسیدیم. سپس بخشی از موسیقی نمایش «آرون» که یکی از اولین نمایش‌های رضا حداد بوده، با نوازندگی رضا تاجبخش و خوانندگی قربان نجفی به صورت بداهه اجرا شد.

در بخش دیگری از برنامه، کیومرث مرادی، کارگردان و مدرس تئاتر و دوستان نزدیک حداد روی صحنه رفت و یادداشتی را درباره او خواند. در ادامه تصاویری از حداد با صدای محمد چرم‌شیر، نمایاننامه‌نویسی که حداد بیشتر نمایش‌های خود را با منون او اجرا کرده بود، پخش شد. چرم‌شیر در قالب یادداشتی به معرفی حداد پرداخت و از او به عنوان مردی یاد کرد که شبیه هیچ‌کس نیست، مردی که فقط با خودش رقابت می‌کرد، مردی که نامنم‌ن‌ها را ممکن می‌کرد، مردی که خسته بود اما همیشه برای شروع پیشقدم می‌شد. مردی که داشت اما از آن سخن نگفت، با معرفت بود و رضا حداد یکی از آن دورره من در بسیاری از نمایش‌های او نقش اصلی را داشته ـ کار کردن با او بسیار سخت بود ولی نتیجه همیشه لذت‌بخش می‌شد. او بسیار ایده‌آلیست و همیشه دنبال کارهای بزرگی در تئاتر بود. به همین دلیل مدتی از تئاتر فاصله گرفت و گفت زمانی به تئاتر برمی‌گردم که دغدغه مالی نداشته باشم و همین کار را هم انجام داد. حضور رضا حداد در تئاتر ما ضروری بود چون او با رویاهای بلندپروازانه باعث بود، پیشرفت این هنر شد.

این کارگردان با مرور دوره‌های مختلف فعالیت حداد در تئاتر و سیر تحول کارهای او افزود: یادمان نمی‌رود از کجا شروع کردیم تا به اینجا رسیدیم. ما گوش می‌کردیم و از دل موسیقی به تصویر می‌رسیدیم. برای او تکنولوژی یک وسیله سرگرمی در جهت تئاتر بود. او گاه کابوس‌های خود را به نمایش تبدیل می‌کرد و نمایش‌هایش به هنرهای مفهومی نزدیک می‌شد و به همین دلیل همکاری او به عنوان مشاور، سخت، ولی جذاب بود.

سپس آرش دادگر، دیگر کارگردان تئاتر و عضو هیات مدیره کانون که دهه ۷۰ در دانشکده هنر و معماری با حداد هم‌دانشکده‌ای بوده و جزو اولین همکاری‌ان او محسوب می‌شود، با یادآوری خاطرات دوران دانشکده از سختی‌های کار تئاتر در دهه ۷۰ سخن گفت، از اینکه رضا حداد برای اجرای یک کار دانشجویی ناچار شده کتاب ارزشمند و نایاب خود را بفروشد تا پول چای و قند اعضای گروه را تأمین کند.

او حداد را بسیار جسور خواند که نامنم‌ن‌ها را ممکن کرده است. دادگر افزود: در آن دوره اجرای یک کار دانشجویی با حضور ۳۰ دانشجو خیلی جسورانه بود و رضا حداد چنین کرد. در آن دوره من در بسیاری از نمایش‌های او نقش اصلی را داشتم ـ کار کردن با او بسیار سخت بود ولی نتیجه همیشه لذت‌بخش می‌شد. او بسیار ایده‌آلیست و همیشه دنبال کارهای بزرگی در تئاتر بود. به همین دلیل مدتی از تئاتر فاصله گرفت و

^[1] محمد چرم‌شیر، اکبر زنجان‌پور، رضا حداد و آتیلآ پسیانی